

چگونه خدا را بشناسیم

خدای خوب و واقعی

از معجزات الهی این است که ناپیداست و با وجود این قابل پرستش و ستایش است و برخی او را پیرمرد ریش سفیدی پنداشته اند که در آسمان ها بر تختی تکیه زده ، اما هیچ کس ادعا نکرده که او را به دیده چشم دیده است . هر چند اثبات وجود خداوند در دادگاه حقوقی حقیقت محال است ، اما بیشتر مردم او را می پرستند و باور دارند . طبق آمار موجود 96 درصد مردم جهان به خدا ایمان دارند .

این موضوع ثابت می کند ، که خلأ عظیمی میان این باور و چیزی که اساس زندگی روزمره ما را تشکیل می دهد ، وجود دارد . ما باید چاره ای برای از بین بردن این خلأ بیندیشیم . دلایل و مستندات که در دست داریم چیست ؟ آنچه به عنوان واقعیت مادی تجربه می کنیم ، در قلمرویی ناپیدا ، و رای زمان و مکان پدید آمده ، قلمرویی که با سکوت ادراک شده و با انرژی و آگاهی ، وجود یافته است . این منشأ ناپیدا در پدیده های موجود ، خود تهی و خالی نیست ، بلکه منشأ خلقت و آفرینش است . پدیده ای است که این انرژی را خلق می کند و سامان می بخشد و بوده های بی شکل و پراکنده ابرهای کوانتومی را به ستارگان ، کهکشان ها ، جنگل های بارانی ، آدمیان ، افکار ، احساسات ، عواطف ، خاطرات و خواسته های انسانی تبدیل می کند . ما در این کتاب خواهیم دید که امکان شناخت این وجود لایتناهی به صورت مجرد ممکن نیست ، بلکه باید با او همدل و یگانه شد . در این صورت است که افق ذهن ما به سوی واقعیت های تازه ای گشوده خواهد شد و ما خداوند را تجربه خواهیم کرد .

چون خداوند نامتناهی است ، خدایی او را به زنانگی یا مردانگی منسوب کردن نوعی عادت و درک انسانی است . مهم ترین چیزی که باید به آن توجه کنیم این است که اگر خدا وجود دارد ، یعنی می توان او را تجربه کرد ، می توان او را شناخت . این نکته بسیار مهمی است ، چون در هر صورت خدا ناپیدا و نامحسوس است و اگر بارقه های وجودی او در این جهان مادی به چشم نمی خورد شاید برای همیشه ناشناخته باقی می ماند .

ما خدا را به صورت انسان مجسم می کنیم تا به این ترتیب با تشابه به خودمان او را بیشتر بشناسیم . پس در این صورت او همچون انسان خویشتندار و بی مهری بوده باشد ، که با وجود ملاحظه عشق پرشور ما این طور خود را از ما پنهان می کند . چه عاملی ما را به نیک خواهی و مهرورزی موجودی معنوی مؤمن کرده ، در حالی که تاریخ هزاران ساله ادیان ، سراسر کینه و خونریزی بوده است ؟

ما نیاز به الگویی جدید داریم ، طرح ساده و سه قسمتی که آورده ایم ، جوابگویی عقل سلیم ما در برابر دیدگاه ما از خداست . این طرح که بر مبنای واقعیت تنظیم یافته به این شرح است :

این طرح رد لایه فوقانی و زیرین خود چیز نازه ای ندارد . در این الگو هم ، خدا و رای جهان مادی و جدا از آن است . خدا و رای ما است ، وگرنه ما مثل کتاب آفرینش او را می دیدیم که در اطراف ما قدم می زند . فقط مرحله میانی الگویی ما ، که مرحله گذار نام دارد جدید یا نامتعارف است . مرحله گذار به طور ضمنی به ملاقات خدا و انسان در زمینه مشترکی اشاره دارد . معجزه های به وقوع پیوسته در بینش معنوی ، فرشتگان ، روشن بینی و شنیدن ندای الهی ، همه پدیده هایی خارق العاده و در واقع پل بین این دو جهان اند . اگر چه همه اینها واقعیت دارند ، ولی در عین حال جزئی از نظام علت و معلول به شمار نمی روند . برای وجود معجزات و فرشتگان هیچ دلیل آشکاری نیست ، حتی بینش های معنوی هم ممکن است در هر مقطعی و بنا به دلایلی تأیید نشوند . ذهن منطقی ، سرسختانه و بر درک خود از بعد مادی جهان پای می فشارد . تصور نمی کنم ، قدیسان و عارفان تفاوت چندانی با مردمان عادی داشته باشند . وقتی به فضای ملموس و واقعی که در آن قرار داریم دقت کنیم ، مرحله گذار ذهنی به نظر می رسد ، این مرحله ای است که حضور الهی حس یا مشاهده می شود . هر رویداد ذهنی باید در مغز رخ دهد ، چون برای هر تجربه ذهنی میلیون ها سلول عصبی مغز فعالیت می کنند .

اینک جستجوی ما وارد مرحله ای شده است که وعده کرده بودیم : واکنش الهی : نور و حضور الهی هنگامی واقعیت می یابد که آن را به پاسخی ذهنی تبدیل کنیم . من این مرحله را « واکنش الهی » می نامم . بینش معنوی ، الهام و مکاشفه ای اتفاقی نیست . اینها به هفت رویدادی که در مغز رخ می دهد مربوط می شوند . این واکنش ها بسیار بیشتر از باورهای شما وجود دارند ، اما همه آنها باعث ارتقای باورهای شما می شوند و مانند پلی میان جهان مادی و ماورای طبیعی ، که ماده هستی خود را از دست می دهد و روح پدیدار می شود ، قرار می گیرد :

واکنش جنگ یا گریز : واکنشی است که باعث می شود ما در مواجهه با خطر جان سالم به در ببریم . این واکنش به خداوند مربوط می شود ، زیرا می خواهد از ما محافظت کند . ما نیز به خداوند ایمان می آوریم چون می خواهیم باقی بمانیم .

واکنش فعال : این واکنش ابتکار مغز برای کسب هویت فردی است . علاوه بر میل به بقا ، هر فردی در پی نیازهای « من ، مال من » است . این واکنش ، غریزی است و از این جا است که خدای جدیدی به وجود می آید ، خدایی که توانا و قادر است و قوانین و اصول در دست اوست . ما به این خدا روی می آوریم چون به کسب کردن ، رسیدن و رقابت نیاز داریم .

واکنش آگاهی غیر فعال : ذهن در حال فعالیت و استراحت ، وقتی به آرامش نیاز داشته باشد ، واکنش آگاهی غیر فعال را بروز می دهد . تمام بخش های مغز به طور متناوب در حال کار و آرامش است . جانشین آسمانی آن خدایی است که به ما آرامش می بخشد . او در لابه لای همه کارها و امور دنیایی به ما

آرامش می بخشد ، ما را متوجه خدا میکند ، چون می خواهیم امور دنیای مادی « در این گِیرو دار و کشاکش بی پایان » ما را غافل نکنند .

واکنش شهودی : ذهن در پی کسب آگاهی است ، « هم از درون و هم از بیرون . » دانش بیرونی ، عینی است ، اما علم درونی ، شهودی است .
خدایی که به این واکنش پاسخ می گوید خدایی فهم و بخشنده است . ما به او نیاز داریم تا بر حق بودن دنیای درونی ما گواهی بخشد .

واکنش خلاقه ك مغز انسان توانایی ابداع چیزهای جدید و کشف واقعیت های نوین را دارد . این نیروی خلاقه در ظاهر منشأ خاصی ندارد ، تنها پدیده ای ناشناخته است که ناگهان منجر به ظهور فکری جدید ، می شود . ما به آن الهام می گوئیم و نقطه مقابل آن ، پروردگاری است که جهان و جهانیان را از نیستی خلق می کند . ما در گریز از سرگشتگی های مان از زیبایی و پیچیدگی های متداول هستی ، به او پناه می بریم .

واکنش اسرارآمیز : مغز به طور مستقیم با « بور » ارتباط برقرار می کند . همان شکل ناب آگاهی که در ما احساس شادمانی و موهبت پدید می آورد . این پدیده به شکلی مرموز متجلی می شود و خالق آن بسیار والا و متعالی است . او شفا می دهد و معجزه می کند . ما به این بعد خداوندی نیاز داریم تا اثبات کنیم ، که نیروهای ماوراء الطبیعه در کنار واقعیت های ملموس و روزمره مادی ، حضور دارند .

واکنش مقدس : مغز از سلولی بارور شده ، که هیچ پدیده ای چون نغز در آن نبوده و فقط ذره ای از حیات در آن بوده است به وجود آمده . اگر چه میلیاردها سلول عصبی از همان ذره حیات منشأ یافته ، اما از نظر سادگی و بی آلایشی به همان شکل بکر و اولیه بوده اند . در برابر این واکنش خدایی ناب و خالص حضور دارد که جز خیر نمی خواهد . ما به او نیاز داریم ، چون بدون این سرچشمه پاک و نیکی ، وجود ما بی پایه و اساس می شود .

این هفت واکنش در سفر بی پایان انسانیت برای مان ضروری و مفید هستند و بناهای استوار دین را تشکیل می دهند . در مقایسه دو ذهن با یکدیگر ، برای مثال موسی و بودا ، مسیح و فروید ، سن فرانسویس و مائو ، هر کدام از آنها دیدگاهی را نسبت به واقعیت مطرح می کنند و خدایی را متناسب با آن می

ستایند و می پرستند . هیچ کس نمی تواند خدا را فقط مختص به خود بداند . ما به تعداد تجربه های انسانی گوناگون ، اندیشه و باوی داریم . بی دینان نیاز به خدای خود دارند ، خدایی که حضور و وجود ندارد ، در حالی که در سوی دیگر پروردگار عرفان قرار دارد ، خدایی که عشق ناب و نور مطلق است . فقط مغز می تواند این دامنه گسترده خدایان را به خود جای دهد . ممکن است بی درنگ بگوئیم که این ذهن آدمی است که خدایان مختلفی درست می کند ، نه فقط

مغز . من کاملاً با شما موافق ام ، اما در گذر زمان ذهن در خلق تمام این مفاهیم مقدم بر مغز عمل می کند . در حال حاضر مغز برای ما تنها راه مشخص ورود به ذهن است . در فیلم های کارتونی وقتی شخصیت فیلم فکر ، بکری می کند ، لامپ بالای سر او روشن می شود ، اما در زندگی واقعی این طور نیست . ذهن ، بدون مغز به همان اندازه خدا ناپیدا و نادیدنی است .

رسیدن به آنچه می خواهید

هفت مرحله کامیابی

خدا نام دیگری برای آگاهی نامتناهی است . برای به دست آوردن هر خواسته ای در زندگی بخشی از این آگاهی لازم است و باید به کار گرفته شود . به عبارت دیگر خدا همیشه حاضر است . هفت واکنش ذهن انسان راه هایی برای جذب جنبه های الهی هستند . هر مرحله از کامیابی ، حقیقت الهی را در همان مرحله به اثبات می رساند .

مرحله 1 : (واکنش جنگ یا گریز)

از طریق خانواده ، اجتماع ، حس تعلق و آسایش های مادی احساس کامیابی می کنید .

مرحله 2 : (واکنش فعال)

کسب موفقیت ، قدرت و مقام ، تأثیر بر دیگران و رضایتمندی های نفسانی دیگر به شما احساس کامیابی می بخشد .

مرحله 3 : (واکنش آگاهی غیر فعال)

با آرامش ، تمرکز ، پذیرش فردی و آرامش درونی به کامیابی می رسید .

مرحله 4 : (واکنش شهودی)

بینش ، همدلی ، رفع نیاز دیگران و بخشش سبب کامیابی شما می شوند .

مرحله 5 : (واکنش خلاقه)

با الهام ، خلاقیت در هنر یا دانش ، اکتشاف و نوآوری به کامیابی حاصل می شود .

مرحله 6 : (واکنش اسرار آمیز)

کامیابی شما با فروتنی ، عاطفه ، ایثار و فداکاری و عشق همگانی حاصل می شود .

مرحله 7 : (واکنش مقدس)

شما با رسیدن به کمال و یگانگی با خداوند با کامیابی می رسید .

درک این نکته ، بسیار مهم ، است ، که روح همواره درجریانی پیوسته درگیر است . در هزارتوی ناپیدای روح بسیاری از رازها معنا می یابد . مثلاً این جمله معروف از وادها را در نظر بگیرید : « آنها که آن را دریافتند لب از سخن فرو بستند و آنها که لب به سخن گشودند هیچ از آن نیافته اند » . در این جا راز در واژه « آن » پنهان است . اگر « آن » به معنای نوعی مکاشفه و شهود باشد ، ما در تمام زندگی تلاش می کنیم تا به فردی که به « آن » یقین دارد ، ایمان بیاوریم . اما اگر « آن » به معنا مکانی معود باشد ، آدمی توانایی رسیدن به آن را دارد ، یأس و ناامیدی بی معناست . بدون تردید آن مکان را خواهید یافت . « درباره آن حرف نزنید ، پیش بروید ! » باید توصیه معقولی باشد .

4هفت مرحله معجزه

معجزه آشکار شدن نیرویی وراء حواس پنج گانه است . هر چند تمام معجزات در مرحله گذار روی می دهد ، اما در هر سطحی متفاوت است . به طور کلی معجزات بعد از واکنش چهارم و پنجم ذهن بسیار « فراطبیعی » می شوند . هر معجزه ای با روح رابطه ای مستقیم دارد .

مرحله 1 : (واکنش جنگ یا گریز)

معجزه ها شامل ، سالم ماندن از خطرهای بزرگ ، نجات یافتن از مرگ حتمی و محافظت های الهی می شود .

مرحله 2 : (واکنش فعال)

معجزه ها شامل نوآوری های خارق العاده ، موفقیت ، مهار جسم و ذهن می شود .

مرحله 3 : (واکنش آگاهی غیر فعال)

معجزه ها شامل : همزمانی ها . توانمندی های زاهدانه ، پیش آگاهی غیبگویی ، احساس حضور خداوند و فرشتگان می شود

مرحله 4 : (واکنش شهودی)

معجزه ها شامل : ارتباط ذهنی ، ادراک فراحسی ، آگاهی از گذشته یا آینده و قدرت پیشگویی می شود .

مرحله 5 : (واکنش خلاقه)

معجزه ها شامل : الهام الهی ، نبوغ هنری ، احساس کامیابی و سهولت دستیابی به خواسته ها (برآورده شدن آرزوهای فرد) می شود .

مرحله 6 : (واکنش اسرار آمیز)

معجزه ها شامل : شفا بخشی ، تغییر و تحول های مادی ، تجسم و ادراک ماوراء الطبیعه و کارهای خطیر فراطبیعی می شود .

مرحله 7 : (واکنش مقدس)

معجزه ها شامل : شواهد درونی ، کرامات و اشراق می شود .